

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال ششم، شماره ۸/۱۸۲، آبان، ۱۴۰۱ / ۳۰ اکتبر ۲۰۲۲

امنیت دانش آموزان در مدارس



در این شماره می خوانید:

امنیت دانش آموزان و مدارس و حق شنیده شدن

حق بر شنیده شدن کودکان و همراهی دانش آموزان در اعتراضات

قتل کودک به خاطر پاره کردن عکس آیتالله خمینی جنایت است

امنیت مدارس، دانشگاهها و مراکز آموزشی در زمان اعتراضات

حضور امنیتی ها در مدارس و عدم امنیت دانش آموزان

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: علی اصغر فریدی، نیره انصاری، سیروان منصوری

صفحه بندی: مهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

امنیت دانش‌آموزان و مدارس و حق شنیده شدن



نیره انصاری

پیش‌نویس اشعار می‌دارد: «در ارتباطش با دنیای گسترده، اتحادیه باید ارزش‌ها و منافع خود را ارتقا و مورد حمایت قرار دهد و باید به صلح، امنیت، توسعه پایدار جهان، احترام یک جانبه و دوجانبه میان مردم، تجارت آزاد و منصفانه، از بین بردن فقر و حمایت از حقوق بشر و به ویژه حقوق کودکان، همچنین رعایت و توسعه مطلق حقوق بین‌الملل شامل احترام به اصول منشور ملل متحد کمک کند».

مفهوم آزادی و امنیت شخصی

آزادی و امنیت شخصی پس از «حق حیات» در شمار دغدغه‌های خطیر انسان قرار می‌گیرند. اهمیت این دو، موجب شناسایی حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر گردیده است. حق آزادی و امنیت شخصی از کهن‌ترین و بنیادی‌ترین حق‌های بشری است که در حوزه‌ی «عدالت کیفری» در زمره مباحث بسیار برجسته قرار دارد. تلفیق حق آزادی و حق امنیت شخصی در اسناد حقوق بشری در قالب «حق آزادی و امنیت شخصی» نمود یافته است که بررسی هر یک از این حق‌ها از دیدگاه کمیته حقوق بشر و سازوکار اروپایی حقوق بشر نقش بسزایی در شناسایی حدود و ثغور حق آزادی و امنیت شخصی دارد.

آزادی و امنیت در میثاق حقوق بشر

به استناد ماده (۱۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۱۷) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد، هر کس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون واقع گردد.» همچنین ماده (۸) کنوانسیون اروپایی در حمایت از حقوق بشر ضمن اشاره به حق برخورداری افراد از امنیت در زندگی خصوصی و خانوادگی، اقامتگاه و ارتباطات (مکاتبات و مخابرات) قدرت عمومی را از هرگونه مداخله‌ی خودسرانه نسبت به زندگی خصوصی افراد برحذر می‌دارد؛ مگر به موجب قانون و در جهت حفظ نظم عمومی، امنیت ملی، سلامت، اخلاق حسنه، رفاه اجتماعی و یا به منظور حمایت از حقوق دیگران باشد.

امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است. هرگاه که انسان احساس خطر می‌کند نیاز به امنیت در او بیدار می‌شود. منتسکیو فیلسوف بزرگ قرن ۱۸ در کتاب پرآوازه خود روح‌القوانین نیاز به صلح را اولین قانون طبیعت معرفی کرده است.

امنیت فردی وضعیت مطلوبی است که انسان در آن ضمن اطمینان از عدم تعرض به حقوق فردی خود، زمینه‌ای را فراهم می‌بیند تا با بهبود آن‌ها، بهره‌مندی از امنیت فردی را به نفع خود افزایش دهد. بعضی از اسناد بین‌المللی از این حق به صراحت نام برده و برای آن مصادیقی هم بیان کرده‌اند. واژه امنیت نخستین بار در کمیسیون مستقل مسائل امنیتی خلع سلاح (کمیسیون پالمه) تجلی یافت. برنامه توسعه ملل متحد نیز پس از یک دهه به بررسی ابعاد مفهومی و حقوقی آن پرداخت و اظهار داشت که فرد انسانی باید در بطن امور قرار بگیرد.

همچنین برنامه توسعه ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خود، به دو جزء مهم امنیت انسانی اشاره کرد: رهایی از ترس و رهایی از نیاز. دغدغه امنیت انسانی شناسایی و برطرف کردن عواملی است که حقوق افراد را در هر نقطه‌ای از جهان مورد تهدید قرار می‌دهد. اگر امنیت انسانی به عنوان یک طبقه‌بندی مضییق حمایت از حقوق بشر همان طور که در بالا اشاره شد، در نظر گرفته شود؛ پس، سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا، نه تنها حق دارند، بل، تعهدات حقوقی نیز به امنیت انسانی دارند. ماده ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد به دولت‌ها توصیه می‌نماید که در جهت احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر بکوشند و برای نیل به این اهداف متعهد شوند و به صورت اقدامات فردی و جمعی با سازمان ملل متحد همکاری کنند. در پیش‌نویس جدید قانون اساسی اتحادیه اروپا به صراحت همانند این تعهد به رسمیت شناخته شده است. ماده ۴ این

اساساً در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق آزادی و امنیت شخصی در پی لغو کامل اقدام‌های سلب‌کننده‌ی آزادی شخصی از سوی دولت نیست، بل در صدد است تا سلب آزادی شخصی را به نظم درآورد. به دیگر سخن؛ حق آزادی و امنیت شخصی می‌کوشد تا ضمانت‌های شکلی آزادی شخصی را به زبان قانون درآورده و شخص را در پرتو عنصر امنیت در این حق، از تضمینات لازم در برابر سلب خودسرانه و یا غیر قانونی آزادی بهره‌مند گرداند. از فرازی دیگر، عنصر امنیت، تضمین و حمایت مؤثر از این حق را در زمره تعهدات و مسئولیت‌های اساسی و مثبت دولت‌ها قرار داده است. عنصر امنیت در حق

آزادی و امنیت شخصی موجب گردیده تا گستره این حق از شرایط شکلی آزادی فیزیکی فراتر رفته و شئون دیگری را نیز در برگیرد، که در این خصوص می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یعنی «حق بر رفتار انسانی» اشاره نمود. (ماده ۱۰)

امنیت شخصی در حقیقت روی دیگر سکه‌ی تأمین و تضمین شرایط آزادی فردی و یا دیگر آزادی‌ها است. در رویکردی دیگر، امنیت مفهومی است که خود می‌تواند تأمین یا تضمین گردد. امنیت خود مفهومی ماهوی است که قابل کسب بوده و مورد هدف قرار می‌گیرد.

قدر متیقن سیر تطور حق آزادی و امنیت شخصی در سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر نشان از افزایش توجه و اهمیت حق امنیت دارد. پیشترها، اهمیت دو حق آزادی و امنیت شخصی به مثابه وجه دیگر آزادی شخصی بود و تضمین‌کننده شرایط آزادی فیزیکی به شمار می‌رفت. اما اکنون امنیت در مفهومی فراتر، تمامی حقوق و آزادی‌های مندرج در اسناد بین‌المللی را تضمین می‌نماید و حتی خود به مثابه «ارزش» است.

امنیت به موجب قوانین موجود در ایران

به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی: حیثیت یا جان یا مال یا حقوق یا مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است. قانون اساسی رژیم اسلامی حفظ جان، مال، سلامتی و کلیه حقوق انسانی آن‌ها در اصول متعددی آمده است؛ اصل ۲۴ مربوط به حقوق ملت با مفهوم و هدف حق آزادی و امنیت شخصی در

پیوند است. همچنین اصل ۳۰ همان قانون بر اجرای مواردی چون آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

یا در (ماده ۱)، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

قوانین کنونی برای صیانت از امنیت شهروندان و به ویژه دانش‌آموزان دچار کاستی و ضعف بوده و دست نیروی انتظامی و امنیتی برای نقض حق امنیت افراد باز گذاشته شده است. حال آنکه از یاد نبریم که مأمور وظیفه‌اش حفظ جان افراد است. اگر جان افراد به وسیله افرادی که موظف به پاسداری جان افراد هستند مورد تهدید قرار بگیرد، باید با شدت بیشتری با آن‌ها برخورد شود زیرا نوعی دیکتاتوری یا خودرایی یا استبداد شخصی را ایجاد می‌کنند و قانون وسیله‌ای برای استبداد رای آن‌ها می‌شود.

معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به پرسشی مبنی بر رشد ۱۰ برابری میزان خطرپذیری دانش‌آموزان، رتبه اول خشونت در آسیب‌های اجتماعی جمعیت دانش‌آموزی و برنامه این وزارتخانه برای کاهش خشونت، افسردگی و همچنین حضور دانش‌آموزان در ناآرامی‌های اخیر گفت: «این مباحث امنیتی است و چنین مواردی احتیاج به گفت‌وگوی فراوان دارد، البته وضعیت خشونت و آمارهای موجود در جمعیت دانش‌آموزی را می‌پذیریم، هرچند دلایل و عوامل مختلفی در بروز چنین مواردی نقش دارند.»

قانون عدم ورود نیروهای نظامی و امنیتی به دانشگاه‌ها برای مدارس نیز قابل تسری است

نیروهای انتظامی و امنیتی به حیث قانون حق حضور در مراکز آموزشی را ندارند، زیرا پس از اقداماتی که در سال ۱۳۷۸ انجام شد، قانون‌گذار ناگزیر از پذیرش حریم دانشگاه‌ها به عنوان یک حریم علمی گردیده و از حضور نیروهای انتظامی و امنیتی،

برای برخورد با اساتید و دانشجویان اجتناب نمود، و به طریق اولی این موضوع نسبت به مدارس و دانش‌آموزان هم، تسری می‌یابد.

در حقیقت قانون‌گذار اجازه نمی‌دهد نیروهای انتظامی و امنیتی و آن‌هایی که دارای شناسنامه و هویت بوده و از ضابطین رسمی دادگستری محسوب می‌شوند وارد مراکز آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه‌ها شوند چه رسد به افرادی موسوم به لباس شخصی‌ها که اساساً معلوم نیست چه هویتی دارند.

بنابراین زمانی که قانون‌گذار اجازه نداده نیروهای ضابط رسمی دادگستری در صورت بروز هرگونه رخدادی وارد حریم دانشگاه و مراکز علمی شوند، نیروهای همان مراکز رسمی با

لباس‌های رسمی چه به عنوان نیروهای امنیتی و یا نیروهای انتظامی به طریق اولی اجازه دخالت در امور آموزش و پرورش را هم ندارند زیرا که رعایت مصالح کودکان و نوجوانان به شدت برجسته می‌نماید. بنابراین این قانون قابلیت تسری به آن‌ها را هم دارد. بر همین اساس هرگونه ورود به مدارس و تعرض به محیط‌های آموزشی به هر صورتی غیرقانونی است.

به نظر می‌رسد وزیر آموزش و پرورش در برابر چنین موضوعی نه تنها مرتکب کوتاهی و سهل‌انگاری شده است و ایشان باید از این کار ممانعت می‌کرد. بل، آموزش و پرورش و مسئولان آموزشی دارای مسئولیت مدنی مبنی بر جبران خسارات وارده به کودکان بازداشتی و خانواده‌هایشان بوده و مسئولیت‌کفیری این وزارتخانه و مسئولان آموزشی قائم به عنصر تقصیر است.

اگر فرض کنیم دانش‌آموزان در محیط علمی خودشان در داخل مدارس خودشان اعتراض، نقد یا تجمعی کردند، نه به امنیت عمومی لطمه‌ای وارد شده است و نه در مسائل جامعه خللی ایجاد کرده‌اند که با این شرایط سنی کم بخواهند با آن‌ها برخورد کنند. بنابراین جرم مشهودی توسط کودکان و نوجوانان ارتکاب نیافته است که نیروی انتظامی و امنیتی حق دخالت در امور را داشته باشد.

فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی درخصوص ورود نیروهای انتظامی و امنیتی به مدارس گفته است: «پلیس هیچ مسئولیتی در زمینه بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها ندارد و هیچ زمانی پلیس به دانشگاه‌ها ورود نکرده است چرا که منع قانونی داریم.»

به موجب قانون «ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» مصوب ۱۳۷۹، ورود نیروهای مسلح اعم از نظامی، انتظامی و اطلاعاتی برای انجام ماموریت‌های امنیتی، حمل و نگهداری سلاح و دستگیری افراد در محیط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور ممنوع است. گفته شده است: «اگر بازداشت باشند برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روانشناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند.»

اکنون ضرورت دارد والدین یکسری موارد حقوقی را در خصوص بازداشت فرزندانشان بدانند:

• در وهله نخست؛ پلیس و دیگر نهادهای اطلاعاتی و امنیتی هیچگونه مجوز قانونی برای بازداشت فرزندانشان را ندارند. تنها وظیفه پلیس حفظ نظم و امنیت در جامعه است.

• احضاریه‌های تلفنی و اینگونه اقدامات امنیتی وزارت اطلاعات و یا نیروی انتظامی فاقد اعتبار قانونی است.

• والدین اساساً به هیچ عنوان الزام به مراجعه به نهادهای پلیسی امنیتی و انتظامی ندارند. زیرا بازداشت فرزندتان تنها زمانی که با دستور مستقیم قضایی یعنی معاون ویژه دادستانی که ویژه کودکان و نوجوانان است مجاز و قانونی است.

• هرگونه تحقیق و بازرسی از فرزندتان توسط پلیس، یا هر نهاد دیگر امنیتی و اطلاعاتی به موجب قانون ممنوع است.

• تحقیق و بازرسی از فرزندتان تنها توسط دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان مجاز است و شما و یا وکیلان باید در مراحل تحقیقات مقدماتی از فرزندتان حضور داشته باشید به موجب قانون اجازه دارید و تحقیق و بازرسی بدون حضور شما و وکیلان کاملاً غیرقانونی است.

• از این بیش نگهداری فرزندتان در بازداشتگاه پلیس و یا هر نهاد امنیتی و اطلاعاتی ممنوع است. و به استناد قانون، نگهداری از فرزندتان در صلاحیت قانون اصلاح و تربیت است زیرا این قانون تنها مجوز نگهداری از افراد زیر ۱۸ سال را دارد.

• نکته دیگر؛ دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان بطور قانونی حق رسیدگی به پرونده و جرائم کودکان و نوجوانان را دارد.

فراتر از این تجمع در مدارس جرم نیست. شعاردادن کودکان در مدارس در قانون جرم انگاری نشده است و تخلفات انضباطی باید در مدارس حل شود و اساساً هیچ ارتباطی به نهادهای

پلیسی و امنیتی ندارد. براین اساس اگر دانش‌آموزان در محیط علمی خودشان در داخل مدارس خودشان اعتراض، نقد یا تجمعی کردند، نه به به امنیت عمومی لطمه‌ای وارد شده و نه در مسائل جامعه خللی ایجاد کرده‌اند که با این شرایط سنی کم بخواهند با آن‌ها برخورد کنند. بنابراین از این حیث هم به نظر نمی‌آید جرم؛ جرم مشهودی باشد که ضابط، حق دخالت در امور را داشته باشد.

در ماده ۳۱ آئین دادرسی کیفری به صراحت گفته شده برای حسن اجرای وظایف ضابطین ما باید پلیس اطفال و نوجوانان داشته باشیم و این پلیس اطفال و نوجوانان باید آموزش‌های خاصی را با توجه به روحیات اطفال دیده باشند. قانون این را با توجه به روحیات اطفالی می‌گوید که خارج از محیط مدرسه و محیط علمی مرتکب جرمی شده‌اند و می‌گوید باید پلیس مخصوص داشته باشند.

اساساً دستگیری، بازداشت، جلب و بردن دانش‌آموزان از محیط مدرسه به کانون اصلاح و تربیت بی‌اساس و منتفی است که گویا وزیر آموزش و پرورش هم این مساله تایید کرده‌اند که دانش‌آموز بازداشتی نداریم (!) اگر هم احیاناً مرتکب جرمی شوند، ماده ۲۸۵ قانون آئین‌نامه دادرسی به صراحت گفته در کنار دادگاه‌های اطفال و نوجوانان دادرسی‌هایی ایجاد کرده‌ایم که معروف هستند به دادرسی‌های اطفال و نوجوانان. در این دادرسی‌ها بازپرس‌هایی در نظر گرفته‌اند که با روحیات اطفال و نوجوانان آشنایی دارند. باید بلافاصله ولی، سرپرست و یا قیم را در جریان بگذارند و در صورتی که نیاز به وکیل است وکیل در اختیارشان بگذارند و در محیطی آرام و با توجه به فضای ذهنی کودکان و نوجوانان تحقیقات را به عمل آورند. افزون بر موارد بالا تحقیق و بازجویی از فرزندتان صرفاً توسط دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان مجاز است و شما و یا وکیل‌تان باید در مراحل تحقیقات مقدماتی از فرزندتان حضور داشته باشید به موجب قانون اجازه دارید. و تحقیق و بازجویی بدون حضور شما و وکیل‌تان کاملن غیرقانونی است.

افزون بر آمار گزارش شده از قربانیان، بسیاری از کودکان شاهد خشونت در خیابان‌ها یا تصاویر منتشر شده در رسانه‌ها بوده‌اند که می‌تواند تأثیری درازمدت بر سلامت آنها داشته باشد. از این بیش هیچ یک از مقامات آموزشی مانند رئیس و مدیر و معلم

ایران که در سال ۱۳۷۶ تشکیل گردید است. یکی از اهداف این شورا: «کودکان و نوجوانان باید بتوانند به طور ایمن، مسالمت آمیز و همیشگی، از حقوق خود بهره مند شوند». از دیگر اهداف شورا: «زمینه‌سازی رشد مهارت فردی - اجتماعی»، «توسعه هم‌یاری در امور آموزشی و پرورشی» و «تعامل میان آنان و مسئولان» بیان شده‌است. همچنین مشارکت در شناخت نیازهای روزآمد دانش‌آموزان (ایده‌یابی و تصمیم‌سازی)

حق شنیده شدن صدای دانش‌آموزان در قانون اساسی

از اساسی‌ترین دلایل حضور دانش‌آموزان به عنوان یکی از بزرگترین بخش‌های جمعیتی کشور در اعتراضات گسترده، نشنیده شدن صدای آنان است، موضوعی که در قانون اساسی

حق شنیده شدن به کودکی که رفتارهای خشونت‌آمیز برسد. وضع قوانین کشور در حوزه کودکان زیر ۱۸ سال از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ در دستور کار قانونگذاران قرار گرفته، اگرچه که در این میان و برای اجرایی شدن حقوق کودک در چارچوب حقوق داخلی، «حق شرط تحفظ / عدم ایفای تعهد» در کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ لحاظ شده است.

به موجب ماده ۱۹ کنوانسیون وین، در مورد حقوق معاهدات، که به بحث از صورتبندی تحفظ در معاهدات بین‌المللی می‌پردازد، هر کشوری با سه شرط می‌تواند نسبت به یک



معاهده اعلام تحفظ کند. شرط سوم این شروط سه‌گانه این است که تحفظ «با هدف و مقصد از معاهده ناسازگار نباشد». افزون بر این، از نظر اصولی نیز شرط خلاف مقتضای عقد، مفسد اصل عقد است و الحاق با چنین شرطی اساساً باطل است.

برای نمونه، قائل شدن «حق شرط تحفظ» حکومت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۲، نسبت به کنوانسیون حقوق کودک که متنی شبیه اعلام تحفظ سند آموزش ۲۰۳۰ دارد، این حق به دولت اسلامی در ایران، اجازه می‌دهد در برخی موارد که قوانین بین‌المللی حقوق کودک با موازین شرعی در کشور همخوانی ندارند، بر اساس قوانین خود عمل کند نه قوانین جهانی این حوزه.(!)

نخستین بار در ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ از «حق بر شنیده شدن کودکان» سخن به میان آمد اما ۳۲ سال طول کشید تا در بند هشتم ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ این حق مورد اشاره قرار می‌گیرد.

نبود ساختار اجتماعی و اقتصادی درست برای ایجاد کانالی که بتواند بازتاب دهنده نقطه نظرات و اعتراضات دانش‌آموزان باشد و آموزش و پرورش باید به صورت جدی برای بسترسازی حق شنیده شدن کودک فعالیت‌هایی را انجام می‌داد که تاکنون این امر رخ نداده است. حال آنکه در نظام دادرسی افتراقی، اصل بر ترمیم است نه برخورد!

از دیگر فراز ارزش‌ها، تسلیمی نیستند و باید کسب شوند. ما نمی‌توانیم فراتر از قانون کاری انجام دهیم و منتظر باشیم که نتیجه‌ای مطلوب ارائه دهد. اگر ارجاع دانش‌آموزان بازداشت شده به کانون‌های اصلاح و تربیت برای مجازات آنهاست، باید تمام افراد و عواملی که زمینه شنیده‌نشدن این صداها را فراهم کرده‌اند مجازات شوند زیرا که کانون‌های اصلاح و تربیت از اساس برای کودکان بزهکار در نظر گرفته شده‌اند.

قوانین و اسناد بین‌المللی

به حیث بین‌المللی نیز ضرورت دارد برای جلوگیری از بازداشت دانش‌آموزان و کودک‌کشی توسط رژیم اسلامی در ایران، صندوق کودکان سازمان ملل از جمله سازمان یونسف و دیگر

سازمان‌های تخصصی و ارگانهای ذیصلاح تنها به ابراز نگرانی اکتفا نکنند بل، به موجب قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو برای پیشگیری از فجایع بیشتر که علیه کودکان و نوجوانان در ایران در شرف وقوع است اقدامات حقوقی را عملاً به انجام برسانند. سازمان یونسف در ایران نیز شعبه دارد و رئیس و نماینده این سازمان دکتر رابین ناندی که از مرداد ۱۴۰۰ / اوت ۲۰۲۱ منصوب شده که باید از بی‌طرفی خارج و ورود پیدا کند به این امر.

از این بیش کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال، بر اساس قوانین بین‌المللی و کنوانسیون حقوق کودک، کودک محسوب شده و دارای مسئولیت کیفری نیستند. و این اقدام نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی در ایران براساس کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو ۱۹۴۹ در خصوص قانون جنگ، اخلاق جنگ و به ویژه ممنوعیت حمله به مردم غیرنظامی و مردم مدنی و به گروگان گرفتن آنها است و نیز ماده ۸ اساسنامه رم و دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ مصداق بارز جرائم جنگی است. افزون بر اسناد بین‌المللی مورد نظر، سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ نیز در خصوص ایمنی نهادهای آموزشی و مدارس اعلام می‌دارد، از اهداف این سند همانا ایجاد محیط آموزشی امن؛

– تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، چندوجهی و منسجم جنسیت‌محور... و ترویج هنجارها و نظام‌هایی برای تضمین امنیت مدارس و به دور ماندن آنها از خشونت (هدف ۴- الف). باید دولت‌ها محافظت از مؤسسات آموزشی را به عنوان یک محل آرام و به دور از خشونت تضمین کنند. ضمن اینکه حفاظت از مدارس به عنوان یک فضای آزاد و عاری از هرگونه خشونت جنسیتی علیه دختران و پسران الزامی است (همان، ص ۲۹۶؛ هدف: ۴ الف).

با توجه به اینکه در ایران اساساً قوانین یک ابزار و سازوکار دولتی برای سرکوب شهروندان است که نهادهای پلیسی، امنیتی و اطلاعاتی از آن علیه شهروندان استفاده می‌کنند. این افراد باید با امنیت کامل بسوی خانواده‌شان بازگردانده شوند. زیرا که به نقض گسترده حقوق اساسی و بنیادینی اعتراض می‌کنند که جهانشمول است و به طریق اولی در قوانین اساسی بسیاری از کشورها تنصیص یافته است.

سخن پایانی

دانشگاه را اهالی سیاست بیشتر «منزلت محور» می‌بینند و نه یک ساحت که باید در مناسبات حقوقی به نحوی صورت‌بندی شود که پیش‌ران حاکمیت باشد، و نه ولی فقیه که بر مبنای فقه پیش‌ران (!) توسعه‌گردد. دانشگاه و مدارس در حاکمیت دینی ذاتاً یک رقیب برای موجودیت و حقانیت دین می‌باشد به همین جهت شبیخون حمله به دانشگاه شریف توسط حکومت، یک کنش طبیعت محور و مبتنی بر ذات فهم معانی حاکمان «دین باور» می‌باشد که بارها مترصد فرصت بودند.

همچنین ناامنی مدارس و فضاهای آموزشی آنجایی پایه‌گذاری شد که دانش‌آموزان توسط معلمان و دیگر مسئولان آموزشی مورد خشونت و آزارهای کلامی، تحقیر و تنبیه فیزیکی قرار گرفتند، ناامنی مدارس محصول اقدام سازمان بسیج دانش‌آموزی در بدل کردن دانش‌آموزان به کودکان سرباز شد و رفتارهای وحشیانه نیروهای سرکوب به پادگانی شدن فضاهای آموزشی و سلب «ماهیت علمی و فرهنگی». کلاس‌های درس منجر گردید. حال آنکه پیش از این فضاهای آموزشی به عنوان یک محل امن و پایگاه قلمداد می‌شد.

به بیانی دیگر چالش علم و دین در عرصه و سپهر سیاست کشور ایران و افغانستان و دیگرکشورهای اسلامی امروز چیزی جز تکرار شده‌گی همین جنگ در تاریخ مسیحیت نمی‌باشد. از این بیش، حقوق‌دانان باید به این امر امنیتی، سیاسی و حقوقی و حقوق اساسی در قانون اساسی نگاه سیستماتیک داشته باشند، زیرا دستگاه‌های سیاسی، امنیتی جمهوری اسلامی اساساً کارکرد حقوقی ندارند و مقید به امر حقوقی نیستند که بخواهیم دولت کشور و شهروند را تعریف کنیم.

پس تولید ناامنی کردن، در داخل بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی است بصورت ضمنی! در حقیقت اکنون جهان با یک نظامی روبرو است که امرحقوقی بر پیشانی قانون اساسی اش نیست! نقدی که بر دولت‌های دموکراتیک وارد است اینکه حقوق بشر حقوق جهانشمول و بدون مرز است. بنابراین سیاستمداران و دولت‌ها تنها به ابراز نگرانی و یا صدور بیانیه و قطعنامه‌های محکومیت در حمایت از خیزش مدرن مردم ایران اکتفا نکنند! بل، روابط سیاسی، دیپلماتیک و بازرگانی خود را با رژیم اسلامی قطع کنند و نیز اخراج سفرای

حکومت اسلامی از کشورهای غربی را آغاز کنند. زیرا قوانین در ایران یک ابزار و سازوکار دولتی برای سرکوب شهروندان است که نهادهای پلیسی، امنیتی و اطلاعاتی از آن علیه شهروندان استفاده می‌کنند. و به حیث بین‌المللی نیز ضرورت دارد برای جلوگیری از کودک‌کشی توسط رژیم اسلامی در ایران، صندوق کودکان سازمان ملل از جمله سازمان یونسف و دیگر سازمان‌های تخصصی و ارگانهای ذیصلاح به موجب قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، از مکانیسم‌های حقوقی استفاده نمایند. عدم توجه به ضرورت‌های دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان می‌تواند خود به سرچشمه بحران‌های دیگری تبدیل شود.

به بیانی دیگر چالش علم و دین در عرصه و سپهر سیاست کشور ایران و افغانستان و دیگرکشورهای اسلامی امروز چیزی جز تکرار شده‌گی همین جنگ در تاریخ مسیحیت نمی‌باشد. بیائیم عقلانیت‌گرایانه به گسل ذاتی بین علم و دین در تاریخ معاصر نگاه کنید. پشت نهادهای دانشگاه و مدارس بایستیم اگر خواهان فردایی مبتنی بر توصیه‌ها و راهبردهای «دانش محور» برای شهروندان مان هستیم!

منابع:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی / ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱/۱۳۹۹
- آیین دادرسی کیفری
- قانون «ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» مصوب ۱۳۷۹
- شورای دانش‌آموزی ۱۳۷۶
- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸
- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹
- کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹
- اساسنامه رم / دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ و اجرای ۲۰۰۲
- سند توسعه پایدار ۲۰۳۰
- صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل / یونسف ۱۹۴۶ و در سال ۱۹۵۳ به یک بخش دائمی سازمان ملل متحد تبدیل گردید

حق بر شنیده شدن کودکان و همراهی دانش‌آموزان در اعتراضات



علی‌اصغر فریدی

از سمیه نادری، حقوقدان و وکیل دادگستری در مورد «حق بر شنیده شدن کودکان» پرسیدم، وی در پاسخ گفت: حق بر شنیده شدن کودکان، در ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، به تصویب رسیده است، این حق در کنار حقوق دیگر از قبیل عدم تبعیض، رشد، بقا، زندگی، منافع عالی، دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان به عنوان حقوق بنیادین و اصلی کودکان شناخته می‌شوند.

وی همچنین در ادامه افزود: این حق برای اولین بار در کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ میلادی مورد توجه قرار گرفت و در اسناد بین‌المللی قبل از این کنوانسیون که راجع به حقوق کودک بود مغفول مانده بود. شناسایی این حق بسیار مفید است چرا که کودکان به عنوان موجودی فعال و موضوع تصمیم‌گیری‌ها شناخته می‌شوند و نظرات آنان از سوی مقامات ذیصلاح شنیده می‌شود.

به گفته خانم نادری، با شناسایی این حق، دیدگاه سنتی که مبنی بر این بود کودکان شخصیتی غیر مستقل و وابسته به بزرگسالان دارند، تعدیل یافته و متعاقب آن حق مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها به کودکان داده می‌شود. وی در مورد قوانین داخلی ایران هم در این زمینه گفت: در قوانین داخلی ایران، این حق در بند ۸ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی، ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ مورد اشاره قرار گرفته است.

در مورد ورود نیروهای انتظامی و امنیتی به مدارس برای سرکوب اعتراضات دانش‌آموزان، و در پاسخ به این سوال که، پس از اعتراضات اخیر، برخی از خبرها حکایت از آن دارد که نیروهای امنیتی و انتظامی به مدارس هجوم و دانش‌آموزان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، آیا نیروهای انتظامی و امنیتی از لحاظ قانونی حق حضور در مراکز آموزشی را دارند؟

این وکیل دادگستری گفت: قانون‌گذار نه به نیروهای انتظامی و امنیتی و آن‌هایی که دارای شناسنامه و هویت هستند و نه افرادی که به عنوان لباس شخصی که اساساً معلوم نیست چه

در هر کشوری، معمولاً بخش بزرگ و قابل توجهی از جمعیت آن را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند، آنان افراد نابالغی هستند که آماده می‌شوند، در آینده امور کشور را در دست بگیرند. دانش‌آموزان به اقتضای سن‌شان، هم از لحاظ روحی و هم از لحاظ جسمی شرایط خاصی دارند، برای همین هم در قوانین کشورها و هم در قوانین بین‌المللی شرایط ویژه‌ای را برای آنها در نظر گرفته‌اند.

در اعتراضات اخیر ایران، دانش‌آموزان چه در خیابان و چه در داخل مدارس به شکلی مدنی و مسالمت‌آمیز در این اعتراضات شرکت کردند، اگرچه اعتراضات دانش‌آموزان عمدتاً مسالمت‌آمیز و عاری از هرگونه خشونت بود، اما در مقابل رفتار نیروهای امنیتی و انتظامی ایران، جواب این اعتراضات مسالمت‌آمیز دانش‌آموزان را با شدیدترین و خشن‌ترین شکل ممکن سرکوب و آسیب‌های جسمی و روانی فراوانی را آنها وارد کردند.

یکی از اساسی‌ترین دلایل حضور دانش‌آموزان در این اعتراضات، به عنوان یکی از بزرگترین بخش‌های جمعیتی کشور، نشنیده شدن صدای آنان است، موضوعی که در قانون اساسی ایران هم مورد تأکید قرار گرفته و حق شنیده شدن صدای کودکان را داده است، بدین معنا که قانونگذار، دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی حوزه کودکان را مکلف کرده است، که زمینه شنیدن اعتراضات کودکان را فراهم و نگذارد به مرحله همراه با رفتارهای خشونت‌آمیز برسد.

برای بحث در مورد ورود نیروهای امنیتی و انتظامی به مدارس که در برخی موارد منجر به ضرب و شتم دانش‌آموزان شده، مجله حقوق ما با سمیه نادری، حقوقدان و وکیل دادگستری، گفت‌وگویی انجام داده که در زیر آمده است.

هویتی دارند، وارد مراکز آموزش عالی بشوند. بنابراین زمانی که قانون‌گذار اجازه نداده است، نیروهای ضابط رسمی دادگستری در صورت بروز هرگونه اتفاقی وارد حریم دانشگاه و مراکز علمی شوند، نیروهای همان مراکز رسمی با لباس‌های رسمی چه به عنوان نیروهای امنیتی و چه به عنوان نیروهای انتظامی به طریق اولی اجازه دخالت در امور آموزش و پرورش را هم ندارند، زیرا رعایت مصالح افراد نوجوان و اطفال که زیر سن ۱۸ هستند، به شدت بالاتر و مهم‌تر از افرادی است که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند، بنابراین این قانون قابلیت تسری به آن‌ها را هم دارد.

سمیه نادری همچنین در پاسخ به این پرسش که، **برخی گزارش‌ها حکایت از بازداشت دانش‌آموزان دارد، روند دادرسی کودکان چگونه باید باشد؟ کودک دستگیر شده چه حقوقی دارد؟**

ابتدا باید بگویم که دانش‌آموزان حق دارند که نسبت به مسائلی که از آن ناراضی هستند، اعتراض کنند، با توجه به اینکه دولت ایران در سال ۱۳۷۲ به پیمان نامه حقوق کودک پیوسته است، و این پیمان نامه بر اصولی چون اصل مشارکت، حفظ منافع عالی حقوق کودک و بقا و رشد و عدم تبعیض استوار است. در

بحث رشد و بقا، چالش‌هایی وجود دارد. سلب حیات کودکان به طور کلی ممنوع است و جان هیچ کودکی نباید گرفته شود. ضمن اینکه دولت وظیفه دارد آموزش با کیفیت ایجاد کند، باید شرایطی را هم ایجاد کند که حق شنیده شدن کودکان نیز مهیا شود. کودکان و نوجوانان حق دارند عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و نظرات آنان باید شنیده شود. همچنین کودکان باید بتوانند از حق تعامل و مشارکت استفاده کنند و در امور اجتماعی حضور داشته باشند.

در مورد روند دادرسی کودکان باید بگویم که روند دادرسی کودکان و بزرگسالان با هم متفاوت است، کودکان در شرایط دستگیری، حقوق ویژه‌ای نسبت به بزرگسالان دارند. دادرسی آن‌ها افتراقی است. کودکان حق دسترسی به وکیل دارند، باید امکان تماس با خانواده خود را به سرعت داشته باشند، روند دادرسی آن‌ها در کوتاهترین زمان انجام شود، به علاوه مشاورین متخصص روانشناس یا علوم اجتماعی حتما باید در جلسات دادگاه حضور داشته باشند. اگر کودک کمتر از سن بلوغ باشد، والدین نیز حتما باید در جلسات حضور داشته باشند. قرارهای سنگین و شدید برای آنان صادر نشود. بازداشت برای کودکان تا حد امکان نباید اتفاق بیفتد تا کودکان بتوانند به سرعت به جامعه برگردند.



قتل کودک به خاطر پاره کردن عکس آیت‌الله خمینی جنایت است



علی اصغر فریدی

نیروهای نظامی به مدارس که اطفال در آنجا مشغول تحصیل هستند، ممنوع است. البته اگر در این خصوص قانون نیز وجود نداشت، بدیهی است که ورود نیروهای نظامی در مدارس برای برخورد با دانش‌آموزانی که منتقد یا معترض هستند، غیرقانونی است. ولی اگر شخص بزرگسالی در مدارس مرتکب جرم شود، بله نیروی انتظامی و امنیتی برابر قوانین و مقررات می‌تواند وارد مدرسه شود و برای بازداشت متهم و حفاظت از جان دانش‌آموزان و آموزگاران اقدام کند.

با توجه به ماده ۳۱ آیین دادرسی کیفری که به صراحت گفته است، برای حسن اجرای وظایف ضابطین، ما باید پلیس اطفال و نوجوانان داشته باشیم حضور نیروهای لباس شخصی و ماموران در مدارس، که تجربه‌ای در رابطه با اطفال و کودکان ندارند، طبق کدام قانون و چرا صورت گرفته است؟

بله درست است، برابر ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، باید پلیس اطفال و نوجوانان تشکیل شود. با وجود این، پس از بیش از ۷ سال از تصویب این قانون، همچنان لایحه اجرایی ماده ۳۱ یادشده تصویب نشده و هنوز در ایران پلیس اطفال و نوجوانان وجود ندارد. ولی نکته‌ای دارای اهمیت، این است که پلیس اطفال و نوجوانان برای اشخاصی است که زیر سن ۱۸ سالگی هستند و مرتکب بزه می‌شوند و قانونگذار به علت موقعیت حساس جسمی و روحی آنان که آسیب‌پذیرتر هستند، مقررات، مرجع قضایی و پلیس ویژه برای آن پیش‌بینی کرده است که در فرایند رسیدگی به بزه ارتكابی از سوی آنان آسیب نبینند. ولی در خصوص دانش‌آموزان معترض و منتقد که نه تنها جرمی مرتکب نشده‌اند، بلکه از حقوق شهروندی خود استفاده کرده‌اند و به این خاطر حتی شایسته تقدیر و تشویق هستند، دخالت مقام قضایی یا پلیس اعم از پلیس اطفال و نوجوانان، محلی از اعراب ندارد.

حتی اگر بپذیریم دانش آموز یا دانش‌آموزانی مرتکب

در پی اعتراضات اخیر، علاوه بر برخی از دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه شریف و دانشگاه کردستان که مورد هجوم نیروهای امنیتی قرار گرفت، برخی از مدارس کشور نیز از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی مورد حمله قرار گرفت و دانش‌آموزان این مدارس مورد ضرب و شتم قرار گرفتند که در یک مورد حتی به قتل یک دانش‌آموز دختر منجر شد.

در یک مورد دیگر، در خبرها آمده بود که یکی از دانش‌آموزان در اعتراضات اخیر، به دلیل اینکه عکس آیت‌الله خمینی را از کتاب درسی‌اش پاره کرده، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و کشته شد. همچنین دانش‌آموز دیگری را به جرم نوشتن شعار بر روی دیوار مدرسه به مرکز روانپزشکی معرفی و آنقدر او را تحت فشار قرار داده بودند که در نهایت دانش‌آموز مذکور با خوردن قرص‌های روانگردانی که برایش تجویز کرده بودند، اقدام به خودکشی کرده بود.

در این شماره از مجله حقوق ما برای بحث در مورد امنیت مدارس و مراکز آموزشی و دانش‌آموزان و همچنین ورود نیروهای امنیتی و انتظامی به مدارس از نگاه قانون، با محمد مقیمی حقوقدان و وکیل دادگستری، مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که مشروح این مصاحبه در زیر آمده است.

پس از اعتراضات اخیر، برخی از خبرها حکایت از آن دارد که نیروهای امنیتی و انتظامی به مدارس هجوم و دانش‌آموزان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، آیا نیروهای انتظامی و امنیتی از لحاظ قانونی حق حضور در مراکز آموزشی را دارند؟

برابر قانون ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مصوب ۱۳۷۹، ورود نیروهای نظامی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ممنوع است. هنگامی که قانونگذار ورود نیروهای نظامی را به دانشگاه‌ها که معمولاً افراد رشید (بالای ۱۸ سال) در آن حضور دارند ممنوع کرده است، به طریق اولی ورود

جرم شده‌اند، آیا آئین دادرسی کیفری اجازه ورود نیروهای

انتظامی یا امنیتی به مراکز آموزشی را می‌دهد؟

برابر ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید.

تبصره ۱- تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال

به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسراست انجام می‌دهد.

تبصره ۲- در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضاء وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.

لازم به یادآوری، جرائم موضوع ماده ۳۰۶ قانون یادشده مربوط

به جرایم منافی عفت عمومی و ۳۴۰ مربوط به جرائم تعزیری درجه هفت و هشت است. همچنین، ضابطانی که اقدام به بازداشت دانش‌آموز بزهکار می‌کنند، باید جزء پلیس ویژه اطفال و نوجوانان باشند.

در خبرها آمده بود که یکی از دانش‌آموزان در اعتراضات اخیر، به دلیل اینکه عکس آیت‌الله خمینی را از کتاب درسی‌اش پاره کرده، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و کشته شده است. قانون در مورد رعایت مصححت طفل و نحوه بازجویی از کودکان، چه می‌گوید؟

نخست شایان یادآوری است که پاره کردن عکس اشخاص اعم

از رهبر و غیره اساساً جرم نیست که نیاز به بازداشت، تحقیق و بازجویی داشته باشد. ولی در صورت ارتکاب جرم از سوی اطفال و نوجوانان قانونگذار به علت موقعیت حساس جسمی و روحی این گروه سنی و رعایت مصلحت آنان پلیس، دادسرا و دادگاه ویژه پیش‌بینی کرده است و وظیفه تحقیق بطورمطلق برعهده مقام قضایی است که در این فرایند در صورت لزوم از مددکار اجتماعی، روانشناس و متخصصان علوم تربیتی نیز استفاده می‌شود. اما قتل یک کودک بخاطر پاره کردن عکس آیت‌الله خمینی مصداق بارز جنایت جنگی و مغایر با همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی است.



امنیت مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در زمان اعتراضات



سیروان منصور

موضوع امنیت مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها در زمان اعتراضات داخلی در یک کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که در بسیاری از قوانین حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های بین‌المللی به آن تصریح شده است، اما متأسفانه بسیاری از کشورها و مخصوصاً حکومت‌های غیرمردمی به آنها بی‌عتنا هستند. در ایران اگرچه بنا به قانون مصوب سال ۱۳۷۹، ورود نیروهای امنیتی و انتظامی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ممنوع شده است، اما همواره در طی سالیان متمادی و مخصوصاً بعد از اعتراضات دانشجویی سال ۱۳۷۸، این مساله همواره از طرف حاکمیت نقض شده است. در اعتراضات اخیر مردمی در ایران در طی ۲ ماه گذشته نه تنها بارها شاهد نقض قوانین و ورود نیروهای امنیتی به دانشگاه‌ها بوده‌ایم که این بار حکومت پا را فراتر گذاشته و به مدارس هم ورود کرده و در قتل دانش‌آموزان دخیل بوده است، امری که بنا به اظهارات کارشناسان و حقوقدانان می‌تواند حتی در زمره جنایات جنگی و جنایات بین‌المللی کیفری قرار گیرد.

مجله حقوق ما با معین خزائلی، حقوقدان، این مسائل را بررسی و در قالب پرسش و پاسخ گفتگویی انجام داده‌ایم که در ذیل می‌آید:

امنیت مراکز آموزشی در قوانین حقوقی ایران چگونه تعریف شده است و بر اساس قوانین حقوقی ایران، امنیت مدارس و دانشگاه‌ها بر عهده کدام نهاد گذاشته شده است؟

تمامی وزارتخانه‌های ایران بر اساس آئین‌نامه داخلی که دارند، یک حراستی دارند که این حراستها جدای از اینکه وظیفه تامین امنیت مثلا در دانشگاه‌ها و ارتباطات دیگر را بر عهده دارند، وظایفی از قبیل هماهنگی با نهادهای انتظامی و هماهنگی‌ها را هم بر عهده دارند. مثلا اگر در دانشگاهی زد و خوردی و درگیری بین دانشجویان پیش بیاید، حراست دانشگاه در همکاری و

هماهنگی با نهادهای دیگر ورود می‌کند و اگر اتفاق تروریستی رخ بدهد، ورود می‌کند و وظایف خودش را انجام می‌دهد. در عقیقت نهاد خاصی وظیفه تامین امنیت خارجی مدارس و دانشگاهها را بر عهده ندارد و همان نهادهای عمومی مثل نهادهای امنیتی و اطلاعاتی مثل پلیس و نیروی انتظامی که الان تبدیل به فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی شده است، و دیگر نهادهای اطلاعاتی و امنیتی که در این زمینه هستند، در حقیقت وظیفه این کارها مثل تامین امنیت را به طور کلی بر عهده دارند و به طور ویژه تامین امنیتی ازسوی مدارس و دانشگاهها به گروه خاصی یا نهاد خاصی سپرده نشده است.

کدام نهاد تصمیم‌گیری در ایران مجوز ورود به مراکز آموزشی در زمان اعتراضات را صادر می‌کند؟

به طور کلی و بر اساس قانون ورود نیروهای امنیتی و انتظامی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ممنوع است. ما یک قانونی به نام ماده واحده ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی داریم که مصوب مرداد ۱۳۷۹ است و در آن به صراحت نیروهای امنیتی و انتظامی از ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی منع شده‌اند و این کار ممنوع است. در عین حال این ماده واحده قانونی یک تبصره هم دارد و آن این است که در موارد نیاز مثلا اگر یک حمله تروریستی یا اقداماتی از این دست در دانشگاه اتفاق بیفتد که نیاز است نیروهای مسلح وارد دانشگاه بشوند، فقط با درخواست رییس دانشگاه یا مرکز آموزش عالی و موافقت وزیر مربوطه یعنی وزیر علوم یا قائم مقام هایشان در صورتی که این افراد نباشند، این مجوز قانونی صادر می‌شود. هرگونه ورودی بدون موافقت روسای دانشگاه‌ها و موافقت وزیر علوم ممنوع است. این چیزی است که قانون اعلام کرده است. اما مساله این جاست که مسلماً نهادهای نظامی و امنیتی در ایران اساساً خیلی از روسای دانشگاه‌ها یا وزیر علوم تبعیت نمی‌کنند و دستوراتشان از فرماندهان ارشدشان می‌رسد، یعنی ماموران نیروی انتظامی از فرماندهان ارشدشان نیروی انتظامی، ماموران سپاه از فرماندهان ارشد سپاه و ماموران بسیج از فرماندهان ارشد بسیج تبعیت می‌کنند. در نتیجه ما در عمل شاهد هستیم که این اتفاق نمی‌افتد و اتفاقهای دیگری می‌افتد و در حقیقت بدون موافقت وزرای علوم و روسای دانشگاه‌ها



این اتفاقات افتاده است. اگرچه در بسیاری موارد هم با موافقت کامل روسای دانشگاه‌ها بوده است، مثلا در مورد اخیر دانشگاه صنعتی شریف ما شاهد هستیم که مسلما با موافقت و اعلام نظر وزیر علوم و رییس دانشگاه چنین اتفاقی افتاده است و نیروهای امنیتی وارد دانشگاه شدند. در نتیجه هرگونه ورود نیروهای امنیتی به دانشگاه‌ها، جدای از مسئولیتی که برای فرماندهان آن نیروهای انتظامی و امنیتی ایجاب می‌کند، برای رییس دانشگاه و به ویژه وزیر مربوطه یعنی وزیر علوم، مسئولیت مستقیم دارد.

در اعتراضات اخیر در ایران نیروهای نظامی و انتظامی به مدارس و دانشگاه‌ها وارد شدند؛ مرجع قانونی رسیدگی به شکایات در این زمینه کدام ارگان است؟

اگر این ورود بدون هماهنگی با ریاست دانشگاه یا وزیر علوم بوده باشد، به طور کامل غیرقانونی است و مرجع آن هم در حقیقت دادگستری و قوه قضاییه است که باید به این مساله رسیدگی کند، اگرچه که شوراهای تأمین استان‌ها هم میتوانند به موضوع ورود کنند و رسیدگی کنند که مثلا اگر نیروی انتظامی ورود کرده است با کدام مجوز بوده، چه کسی دستور داده و دادگاه‌های نظامی و دادگستری نیروهای انتظامی و دادستان ویژه، به دلیل عملکرد اشتباه میتواند به موضوع ورود کند و موضوع را بررسی کند. اما به نظر می‌رسد در مورد اخیر با هماهنگی وارد شده‌اند و از آنجایی که این ورود به دلیل نیاز نبوده و ضرورتی برای ورود این نیروها وجود نداشته است، همه مسئولان امر یعنی خود ریاست دانشگاه‌ها و وزیر علوم باید پاسخگو باشند که به چه دلیل مجوز ورود نیروهای امنیتی، دست‌کم لباس شخصی‌ها صادر شده است. اگرچه رییس دانشگاه شریف ورود نیروهای انتظامی و امنیتی را انکار کرده است، اما شواهد نشان می‌دهد که این اتفاق افتاده است. این انکار در حقیقت نشان دهنده آن است که ورود با هماهنگی صورت گرفته است، در حالیکه اساسا نیازی به ورود نبوده و در اصل ریاست دانشگاه در این زمینه مسئولیت دارد که به چه دلیل اجازه ورود نیروهای امنیتی را صادر کرده است.

در اعتراضات اخیر شماری از دانش‌آموزان و دانشجویان

کشته شده‌اند و تعدادی هم زخمی شده‌اند؛ از منظر قانونی در ایران چه کاری می‌توان برای اعاده حقوق این قشر انجام داد؟

اولا از منظر قانونی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی موظف به رسیدگی به قتل دانش‌آموزان و دانشجویان است و در مورد دانش‌آموزان اصولا وضعیت بدتر و حساسیت بیشتر است و به هیچ وجه نیروهای نظامی و انتظامی اساسا اجازه بازداشت دانش‌آموزان و برخورد قضایی را ندارند و قانونا تنها پلیس ویژه اطفال و نوجوانان است که مجاز است بر اساس قانون برای برخورد با افراد زیر هجده سال مطابق قانون ورود کند. در نتیجه هرگونه آزار، اذیت و به ویژه قتل دانش‌آموزان مصداق قتل عمد است و قانونا دستگاه قضایی جمهوری اسلامی باید ورود کند و نهادهای امنیتی و انتظامی را پاسخگو کند که خوب این اتفاق قطعا نمی‌افتد. از سوی دیگر اساسا حمله به مراکز

آموزشی می‌تواند در حقیقت از جمله جرایم جنگی تلقی شود و به دلیل اینکه مراکز آموزشی و به ویژه مدرسه‌ها حتی در جنگ هم باید مصون باشند، حمله به دانش‌آموزان و حمله به مدرسه‌ها میتواند جرم جنگی تلقی شود و در نتیجه مصداق ارتکاب جرم بین‌المللی کیفری است و حتی قابلیت تعقیب بین‌المللی کیفری را دارد. اما آنچه که مهم هست این است که مسلما دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با عدالت این موضوع را بررسی نمی‌کند و به جای اینکه در حقیقت قاتل را دستگیر کرده و باهش برخورد کند، با خانواده‌های قربانیان برخورد کرده و آنها را تحت فشار قرار می‌دهد.

کدام کنوانسیون‌های حقوقی در جهان در این زمینه امنیت مراکز آموزشی را تضمین میکنند؟ ایران در این زمینه عضو کدام کنوانسیون‌هاست؟ تضمین حقوقی این کنوانسیون

اساسا ما کنوانسیون ویژه‌ای در مورد این موضوع نداریم. اما تأمین امنیت شهروندان بر اساس اصول بین‌المللی و آموزه‌های حقوق بشری و حاکمیتی، برعهده حاکمیت‌ها است، یعنی حکومت‌ها موظف هستند که در تأمین امنیت شهروندان خودشان مشارکت داشته باشند و از آنها حفاظت کنند. ضمین اینکه اقدامات غیرقانونی حکومت‌ها در قتل، کشتار و آزار و اذیت شهروندان بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشری ممنوع است و در بسیاری از موارد هم که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، جرم بین‌المللی کیفری است و قابلیت تعقیب بین‌المللی کیفری را دارد. ما در کنوانسیون‌های ژنو هم در زمینه قانون بین‌المللی مربوط به جنگ هم داریم که حتی در زمان جنگ هم حمله به مدارس و بیمارستان‌ها و مراکز مسکونی ممنوع است و در مواردی می‌تواند جرم جنگی محسوب شود.

علی اصغر فریدی

مدرسه آمده و در این موضوع جلسه‌ای برگزار کردند.

در یک مورد، در دبیرستان فرزنانگان شهرستان بابل، یکی از دانش‌آموزان که بر روی دیوار مدرسه شعار نوشته بود، توسط مدیر مدرسه، از طریق دوربین‌ها شناسایی و پس از تهدید و ارباب، او را مجبور می‌کنند که به هسته مشاوره و سپس به رونپزشک مراجعه کند، روانپزشکی که دانش‌آموز را ویزیت می‌کند، خود بازرس آموزش و پرورش هست و برای این دانش‌آموز قرص‌های ضد افسردگی تجویز و او را تهدید می‌کند و می‌گوید از خوب نشوی، به ناچار باید تو را بستری کنیم. همین موضوع باعث می‌شود که دانش‌آموز مذکور با بیش از پنجاه قرص روانگردانی که برایش تجویز شده، اقدام به خودکشی کند. علاوه بر حضور نیروهای انتظامی و امنیتی در مدارس و ایجاد جو رعب و وحشت برای کودکانی که هنوز به سن حساس کودکی و نوجوانی هستند و طبیعتاً نیاز به فضایی امن و به دور از تنش و اضطراب دارند، برخی از کودکان نیز در اعتراضات اخیر در خیابان به دلیل اصابت گلوله یا به دلیل ضرب و شتم ماموران به وسیله باتوم و چماق، جان خود را از دست داده‌اند.

مهرابه عباسیان حقوقدان و وکیل دادگستری، در مصاحبه با مجله حقوق ما و در پاسخ به این سوال که آیا از لحاظ قانونی نیروهای انتظامی و امنیتی، به هر دلیلی حق حضور در مراکز آموزشی را دارند، یا خیر؟

گفت: پس از حمله به کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ قانون‌گذار، حریم دانشگاه‌ها را به عنوان یک حریم علمی مورد توجه قرار دهد و از حضور نیروهای انتظامی و امنیتی برای برخورد با اساتید و دانشجویان اجتناب کند، بنابراین می‌توان گفت صورتی که نسبت به دانش‌آموزان هم قانون خاص وجود نداشته باشد، این موضوع برای مدارس هم به طریق اولی، در اولویت قرار دارد.

این وکیل دادگستری در ادامه افزود، بر اساس قانون ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی که در سی‌ام مرداد ماه سال ۱۳۷۹ به تصویب رسید، ورود نیروهای نظامی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ممنوع است، بنابراین

در حالی که تظاهرات‌ها و اعتراضات در خیابان‌های اکثر شهرهای ایران در جریان است و نیروهای انتظامی، بسیج و لباس شخصی‌ها اقدام به ضرب و شتم و حتی کشتن معترضان می‌کنند، دانش‌آموزان ایرانی هم علاوه بر خیابان، در داخل مدارس و کلاس‌های درس، گوشه‌ای از بار اعتراضات را بر دوش می‌کشند و در این را چند دانش‌آموز جان خود را از دست داده‌اند.

در این مبارزه معلمین و مدیران هم خواه ناخواه درگیر شده‌اند و برخی از مدیران به دلیل حمایت از دانش‌آموزان و عدم همکاری با نیروهای امنیتی، شغل خود را از دست داده‌اند و برخی از مدیران هم با همکاری و حتی در برخی موارد با تماس با نیروهای انتظامی و امنیتی، خواهان دخالت آنها در مدارس و برخورد با دانش‌آموزان شده‌اند.

در شهرستان زرقان در استان فارس، ماموران امنیتی وارد هنرستانی دخترانه در این شهر می‌شوند تا دانش‌آموزان را مجبور کنند تا با پلاکارد لبیک یا خامنه‌ای علس بگیرند، این اقدام با مخالفت دانش‌آموزان روبرو می‌شود و مدیر هنرستان به حمایت از دانش‌آموزان در مقابل ماموران امنیتی قرار می‌گیرد، در نتیجه مدیر اخراج می‌شود.

در بابلسر مدیر مدرسه دولتی نمونه دخترانه در مقطع متوسطه اول، از ارائه اسامی دانش‌آموزان معترض، به نیروهای امنیتی خودداری می‌کند، اما چند روز بعد او را مجبور به استعفا می‌کنند. از طرف دیگر، بنابه خبرهایی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی و از سوی شهروند خبرنگاران از داخل ایران منتشر شده، برخی مدیران مدارس، در همکاری کامل با نیروهای امنیتی، به سرکوب دانش‌آموزان و پرونده‌سازی برای آنها اقدام کردند. به عنوان در یکی از مدارس ابتدایی شهر میانه، روی در توالی شعار «مرگ بر خامنه‌ای» نوشته شده که مدیر مدرسه بیش از ۲۵۰ دانش‌آموز را به خط کرده و از همه دست خطی با محتوای همان شعار گرفته تا به گفته آنها فرد خاطی را پیدا کند و بلافاصله هم نیروهای حراست آموزش و پرورش شهرستان به

حضور امنیتی‌ها در مدارس و عدم امنیت دانش‌آموزان



زمانی که قانون‌گذار اجازه نداده است که ضابطین رسمی دادگستری در صورت بروز هرگونه اتفاقی وارد حریم دانشگاه و مراکز علمی شوند، نیروهای همان مراکز رسمی با لباس‌های رسمی چه به عنوان نیروهای امنیتی و چه به عنوان نیروهای انتظامی به طریق اولی اجازه دخالت در امور آموزش و پرورش را هم ندارند چراکه رعایت مصالح افراد نوجوان و اطفال به شدت بالاتر و مهم‌تر از افرادی است که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند بنابراین این قانون قابلیت تسری به آن‌ها را هم دارد.

از خانم عباسیان در مورد پلیس اطفال و اینکه در ماده ۳۱ آئین دادرسی کیفری به صراحت آمده است، برای حسن اجرای وظایف ضابطین، ما باید پلیس اطفال و نوجوانان داشته باشیم حضور نیروهای لباس شخصی و ماموران در

یا نظامی در مدارس، برای برخورد با دانش‌آموزان غیرقانونی است. نیروهای انتظامی تنها در مواردی که، شخص بزرگسالی در مدارس مرتکب جرم شود، برابر قوانین و مقررات می‌تواند وارد مدرسه شود و برای بازداشت متهم و حفاظت از جان دانش‌آموزان و آموزگاران اقدام کند.

مدارس، که تجربه‌ای در رابطه با اطفال و کودکان ندارند، طبق کدام قانون و چرا صورت گرفته است؟

بر اساس ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده است، باید پلیس اطفال و نوجوانان تشکیل شود. با اینحال، پس از بیش از ۷ سال از تصویب این قانون، همچنان لایحه اجرایی ماده ۳۱ یاد شده تصویب نشده و هنوز در ایران پلیس اطفال و نوجوانان وجود ندارد.

او در ادامه گفت: نکته حائز اهمیت این است که، پلیس اطفال و نوجوانان برای اشخاصی است که سن آنها زیر ۱۸ سال است و مرتکب بزه می‌شوند و قانونگذار به علت آسیب‌پذیر بودن و موقعیت حساس جسمی و روحی آنان، مقررات، مرجع قضایی و پلیس ویژه برای آن پیش‌بینی کرده است که در فرایند رسیدگی به بزه ارتكابی از سوی آنان آسیب نبینند. اما در خصوص دانش‌آموزان معترض و یا می‌توان گفت منتقدی که نه تنها جرمی مرتکب نشده‌اند، بلکه از حقوق شهروندی خود استفاده کرده‌اند و به این خاطر حتی شایسته تقدیر و تشویق هستند، دخالت مقام قضایی یا نیروی انتظامی، اعم از پلیس اطفال و نوجوانان، نه تنها محلی از اعراب ندارد، بلکه حضور آنها در مدارس غیرقانونی است.





ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net